

کوتاه د پېلامسی

قول آمريکا برای مجازات نکردن بانک‌های طرف تعامل با ایران

● **ایسنا:** محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری کیودو گفته است که جان کری، همتای آمریکایی وی، اطمینان داده است که این کشور تلاش‌های بیشتری را برای کاهش نگرانی‌های غیرضروری بانک‌های اروپایی انجام خواهد داد.ظریف همچنین گفت: واشنگتن قول داده است بانک‌های اروپایی که دادوستد با ایران را تسهیل می‌کنند جریمه نخواهد کرد. رئیس دستگاه دیپلماسی ایران افزود: آمریکا می‌گوید که هر کسی را بیرون از این کشور برای انجام تجارت با ایران ترغیب خواهد کرد. البته بر این باوریم که این کافی نیست بنابراین، از آنها خواستیم تا اقدامات بیشتری را برای متقاعدکردن انجام دهند و نگرانی‌های مؤسسات خارجی، به‌ویژه بانک‌ها را نسبت به تعامل با ایران از بین ببرند.

هماهوفر آزاد شد

● **ایرنا:** بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از آزادی هما هودفر به دلایل انسان‌دوستانه خبر داد و گفت: خانم هما هودفر، استاد بازنشسته دانشگاه‌های کانادا که براساس برخی اتهامات در ایران بازداشت بود، به دلایل انسان‌دوستانه از جمله بیماری، عصر دوشنبه آزاد و از طریق کشور عمان به کانادا بازگشت.

تحويل ۳۸ تن آب سنگین ایران به روسیه

● **ایرنا:** سرگنی کرینینکو، رئیس شرکت روس‌انم، روز گذشته در وین گفت: ایران در ۱۳ و ۲۰ سپتامبر (۲۳ و ۳۰ شهریورماه) ۳۸ تن آب سنگین را به صورت هوایی به روسیه تحويل داد. بنا بر اعلام سازمان انرژی اتمی، جمهوری اسلامی ایران در قالب برجام، صرفا مازاد بر نیاز آب سنگین خود را به بازارهای جهانی عرضه می‌کند و اگر مشتری با شرایط مناسب وجود نداشته باشد، می‌تواند تا عقد قرارداد فروش و تحويل بدون محدودیت زمانی در اختیار و کنترل تهران باقی بماند.

تأکید ایران و روسیه بر تسهیل کمک‌رسانی به حلب

● **ایلسا:** حسین جابری‌انصاری، معاون عربی و آفریقایی وزارت خارجه، در گفت‌وگوی تلفنی با میخائیل باگدانف، معاون وزیر خارجه و نماینده ویژه روسیه، پیرامون آخرین تحولات سوریه به‌ویژه وضعیت حلب تبادل‌نظر کردند. دو طرف در این گفت‌وگوی تلفنی بر ضرورت توجه به بُعد انسانی بحران سوریه و تسهیل کمک‌رسانی فوری به مناطق درگیری به‌ویژه در حلب تأکید کردند.

راه‌حل‌های ظریف برای برون‌رفت از بحران سوریه ویمین

● محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشور، در تویییت نوشت: صحبت‌کردن در شورای امنیت راحت است. تنها راه برون‌رفت از (بحران‌های) سوریه و یمن، آتش‌بس، ارسال کمک و حل‌وفصل سیاسی همه‌جانبه است. ایران برای کمک آماده است، آیا دیگران هم آماده هستند؟

ایران ترور «ناهض حتر» رامحکوم کرد

● مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه: بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان، ترور «ناهض حتر»، نویسنده و فعال سیاسی اردنی، را محکوم کرد و با تأکید بر اینکه مسئولیت این ترور متوجه کسانی است که تحمل قلم و اندیشه‌ی این نویسنده ضدصهیونیستی و ضدوحشی را نداشتند، گفت: گسترش موج خشونت و ترور، نتیجه مستقیم سیاست‌های نادرست و برخورد‌های دوگانه محافل سیاسی و رسانه‌ای بین‌المللی و بی‌ارادگی منرج‌نویزکننده در مقابله با ریشه‌های فکری و سیاسی تکفیر و خشونت است.

ادامه از صفحه اول

«موسیقی اسلامی»

...نه «ارگ» و نه ارکستر سمفونیک «همراهی کننده». گام‌های آوای این انسان آن‌قدر کامل است که شنونده را مجبور می‌کند تسلیم شود، این بحث چند ساعتی ادامه داشت و با چند سؤال اساسی که برای آن پاسخی نداشتم پایان یافت؛ آیا در ایران کار پژوهشی موسیقی‌شناسی درباره ملودی‌های اذان انجام گرفته است؟ آیا بر پایه این ملودی‌ها قطعات موسیقی جدیدی ساخته شده است؟ آیا نهادهای مذهبی شما از قدرت جذابیت موسیقی اسلامی آگاه هستند؟ از جلوی کیوسکی رد شدیم که در آن تیتیر بعضی از روزنامه‌ها درباره بدبودن موسیقی بود...
توضیح: Requiem، سبک موسیقی‌ای که درباره به‌صلیب کشیده‌شدن مسیح است و یکی از مشهورترین قطعات آن requiem در minor با اثر Gabriel Fore است.

politics@sharghdaily.ir

شرق، علی ایوبی: انجمن «اندیشه و قلم» یکشنبه‌شب و در پنجمین روز از هفته دفاع مقدس نشست با عنوان «ناگفته‌های آغاز جنگ» برگزار کرد. در این مراسم که نگاهی به ریشه‌های وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران داشت، حجت‌الاسلام محمود دعایی، سفیر وقت ایران در عراق، مسعود بختیاری، از فرماندهان ارتش، سیدمحمد غرضی، استاندار وقت خوزستان و محمد درودیان، نویسنده و پژوهشگر جنگ، به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند.

سیدمحمد دعایی به عنوان اولین سخنران این مراسم به پیشینه رژیم بعث عراق که شروع‌کننده جنگ بود، پرداخت و گفت: «این حزب تشکیلاتی جدا از اراده مردم عراق بود و استعمار در تاسیس آن نقش داشت. شعار آنها بعد از کودتایی که انجام دادند این بود که «ما آماده‌ایم که بمائیم»، یعنی به هر قیمت می‌خواستند بمانند و برای خود یک رسالت جادوان ترسیم کرده بودند. آنها برای جذب جامعه روشنفکر عربی ادعاهایی درباره خلیج فارس مسعود بختیاره به برای جزیره‌های ایرانی و بخش عربی ایران نیز برنامه داشتند. او افزود: «شاه هم با پشتوانه‌ای که از آمریکا داشت خود را برای هر نوع برخورد با عراق آماده کرده بود. البته عراقی‌ها یک ضعف از طرف ایران داشتند که کردستان بود که رژیم شاه در تقویت آن فعالیت و از مصطفی بازرانی حمایت می‌کرد و به او اسلحه داده بود».

دعایی با بیان اینکه رژیم بعث عراق اپوزیسیون و مخالف شاه را جذب کرده بود، عنوان کرد: «بعث به آنها امکاناتی مثل موج رادیو و آموزش و تسلیحات نظامی داده بود و برای برخورد نیرومند و قوی از تیمور کرده بودند که او هم جبهه «آزادی‌بخش ملت ایران» را راه می‌اندازد و از همه اپوزیسیون داخل ایران هم دعوت می‌کند به آنها پیوندند. این فعالیت‌ها برای شاه آزادرنده بود که در نهایت تیمور بختیار را در نزدیکی مرز تور می‌کند، اما تشکیلات آنها فعالیت خود را ادامه می‌دهند که حتی خوزستان را تا آستانه جدایی پیش می‌برند».

سفیر اسبق ایران در عراق ادامه داد: «در اینجا بود که به ابتکار دولت الجزایر، بین رژیم ایران و عراق مذاکراتی صورت گرفت. بین شخص شاه و صدام حسین در الجزایر مذاکره می‌شود و آنها تسلیم خودشان ایران می‌شوند و از ادعای خود نسبت به مشاطهر کوتاه می‌آیند. ایران هم تعهد می‌دهد که بازرانی را کنترل کند و قراردادی امضا کردند که مخالفان هر دو کشور حق مبارزه سیاسی نداشته و آنها را تحت‌نظر داشته باشند». او گفت: «از اینجا به بعد در کنار روابط دیپلماتیک دو کشور، نکته تعیین‌کننده‌ای اتفاق افتاد که آنها تصمیم گرفتند یک بنیاد امنیتی نیرومند ایجاد کنند و تمام ارتباطات دو کشور را نمایندہ این دو بنیاد عهده‌دار شود. براین‌اساس دفتری را در سفارتخانه‌های خود ایجاد کردند که این نماینده، رابط تعیین‌کننده و اصلی بین دو رژیم باشد».

دعایی با بیان اینکه در آن زمان امام خمینی(ره) بزرگترین اپوزیسیون ایران بودند که به عراق تبعید شده بودند، افزود: «رژیم شاه از طرف این نهاد امنیتی از عراق خواست که امام را که در سخنرانی‌های خود بر ضد شاه صحبت می‌کردند، کنترل کند. آنها هم وقت ملاقات گرفتند و از امام خواستند که در عراق فعالیت علنی نکنند که امام فرمودند تکلیف شرعی دارم و نمی‌توانم سکوت کنم. سپس گفتند اگر شما این را بر نمی‌تابید، از عراق به جایی می‌روم که مستعمره شاه نباشد که این حرف برای عراقی‌ها گران تمام شد چون به تعهدی که به ایران داده بودند که اپوزبسیون را کنترل کنند پایبند نبودند. آنها ناگزیر تصمیماتی گرفتند که آمودرفت به بیم ات را محدود کنند که امام تصمیم به مقاومت گرفت، درس را تعطیل و در منزل خود تحصن کردند». او گفت: «امام تصمیم به هجرت از عراق گرفتند، اما رژیم ایران اصرار داشت که امام در عراق بماند، چون عراق تعهد داده بود که اجازه فعالیت به مخالفان ندهد و اگر ایشان از عراق خارج می‌شدند هیچ کشوری چنین تعهدی را به ایران نمی‌داد که از فعالیت‌های امام جلوگیری کند. در نهایت امام تصمیم گرفتند که به فرانسه بروند. عراقی‌ها در لحظات آخر تصمیم گرفتند پیغامی به امام بدهند که اگر ایشان عراق را ترک کنند و فرانسه ایشان را نپذیرفت، حق برگشت به عراق را ندارند، چون می‌خواستند با ممنوع‌الورودکردن امام از فشار رژیم شاه خلاص شوند. البته این پیغام به امام نرسید و به یکی از نزدیکان ایشان گفته شد در نهایت امام وارد پاریس شدند.

دعایی ادامه داد: «فعالیت‌های امام در پاریس شروع شد و اوج نهضت و تلاش‌های مردم به جایی رسید که ساواک منحل شد. امام هم به بدنه ارتش دستور دادند که فرمانبری نکنند و از ارتش خارج شوند. دقیقا از همان زمان، یعنی آبان ۵۷ که ارتش و ساواک منحل شدند، صدام از فرصت استفاده کرد و برای انتقام‌گیری از شاه، پایگاه تشکیلاتی خود را در بصره راه‌اندازی کرد و برادر خود را به فرماندهی آن گمارد. همچنین آنها برعکس کنسولگری‌های ایران در عراق، دو کنسولگری در خرمشهر و کرمانشاه داشتند که بسیار فعال بود و با این قرارگاه ارتباط داشت و در سازماندهی و جاسوسی فعال بودند».

او گفت: «آغاز جنگ در حقیقت از آبان ۵۷ بود؛ یعنی از لحظه‌ای که رژیم شاه ترک برداشت و در حال فروزری بود و ساواک و ارتش منحل شده بودند. صدام هم منتظر این فرصت بود تا از شاه انتقام بگیرد و از قبل برنامه‌ریزی کرده بود».

دعایی ادامه داد: «وقتی انقلاب پیروز شد، رفع تنش

میان ایران و عراق یکی از برنامه‌های جدی امام بود. امام من را برای سفارت بغداد انتخاب کردند که در ابتدا نپذیرفتم، ولی در نهایت ایشان من را قانع کردند. حسن البکر، حسن نیت امام را از این انتخاب درک کرد اما صدام از کسانی بود که به‌شدت با انتخاب من مخالفت کرد چون معتقد بود که من آشنا با محیط عراق هستم و مشکلاتی را ایجاد می‌کنم».

صحبت‌های حجت‌الاسلام دعایی به درازا کشیده است، محمد درودیان از او اجازه می‌خواهد که جلسه را ترک کند، اما محمد غرضی از او می‌خواهد که بماند و خطاب به حضار گفت: «در فرمایش‌های دعایی نکاتی بود که من هم که با ایشان دوستی ۴۵ساله دارم تا به حال آن را نشنیده بودم و حتی به ذهن من هم نایمده بود».

حجت‌الاسلام دعایی می‌گوید فقط یک نکته بگوید و حرفش را تمام خواهد کرد. او گفت: «عراق تلاش کرد که همسایگان خود را نسبت به ایران بدبین کند، گروه‌هایی را هم در ایران ساخت که رابطه سالم میان ایران و عراق را تهدید کند. در همین فاصله یک فرستاده از جانب صدام حسین آمد که گفت پیغامی برای امام دارم. صدام از امام خواسته بود تا نماینده‌ای تام‌الاختیار برای مذاکره به عراق بفرستند. من این را به امام گفتم و گمان کردم ایشان آقای هاشمی را برای مذاکره انتخاب خواهند کرد. روز بعد که من خدمت امام رفتم، ایشان گفتند که من در عراقی‌ها حسن نیت نمی‌بینم و شما به آنها بگویید که ما در آینده نزدیک انتخابات شورای ملی و ریاست‌جمهوری داریم که ترجیح می‌دهم نمایندگان منتخب مردم، نماینده‌ای را برای مذاکره معرفی کنند، شما هم تا آن زمان از خود حسن نیت نشان دهید و فعالیت تبلیغاتی نکنید. من این پیام را به مسئولان عراقی دادم و این تنها موردی است که عراقی‌ها پیغامی برای مذاکره به امام دادند».

دعایی در پایان سخنانش با اشاره به شایعاتی که در شبکه‌های مجازی درباره پیام صدام به امام برای مذاکره منتشر شده است، گفت: «از طریق شبکه‌های مجازی مطلبی را به ناحق و دروغ شایع می‌کنند که من پیامی را آوردم که صدام گفته یا من می‌آیم تهران یا شما بنیاید، بعد من از جانب بهشتی این پیام را به امام فرستاده‌ام، و در پاسخ به امام گریه کردم و گفتم من به عراق بر نمی‌گردم، بعد آقای بازرگان آمدند و واسطه شدند و امام با خشکی تمام قبول نکردند! این حرف‌ها دروغ و برای انتقام‌گیری از امام است که بگویند ایشان مذاکره را نپذیرفته است. من در مناسبت‌های متعدد و دوباره در اینجا به‌شدت و قاطعیت این مطلب را تکذیب می‌کنم».

جنگ پیش‌بینی‌شدنی بود

نوبت به تیمسار مسعود بختیاری، از فرماندهان ارتش می‌رسد. او در پاسخ به اینکه جنگ پیش‌بینی‌شدنی بود یا نه، گفت: «کاما پیش‌بینی‌شدنی بود و از نیمه دوم سال ۵۸ فعالیت‌های نظامی خود را کاملاً متشخص بود، چون داشت واحدهای خود را گسترش می‌داد و خریدهای نظامی می‌کرد و با فرانسه وارد قراردادهای نظامی می‌بست که نشان می‌داد عراق خود را برای حمله به ایران آماده می‌کرد. حتی از نظر سیاسی هم این اتفاق پیش‌بینی‌پذیر بود».

او افزود: «اما من می‌خواهم به این سؤال هم پاسخ دهم که پیشگیری‌کردنی نبود بود یا نه، باید این را بگوییم که آیا ما پیشگیری کردیم و بدیدیم نمی‌شود؟ آیا اقدام دیپلماتیک کردیم؟ آیا با عراق وارد مذاکره شدیم؟ من معتقدم چون هیچ اقدامی نکردیم پس نمی‌شود درمورد پیشگیری نظر روشنی داد».

بختیاری ادامه داد: «می‌خواهم این‌را ب بگویم اگر دیپلماسی نتواند جلوی جنگ را بگیرد، پس به چه درد می‌خورد؟ وزارت خارجه ما در آن زمان کاملاً فشل بود. سه سازمان که در امنیت کشور نقش دارند بعد از انقلاب دچار اختلال عظیمی شد؛ وزارت خارجه، ساواک و ارتش، البته این طبیعت انقلاب است. چون این سه سازمان فروپریخته بود، ما نتوانستیم اطلاعاتی از درون عراق به دست آوریم و در یک فضای حیجانی به سراغ جنگ رفتیم».

در ادامه، محمد درودیان در سخنانی گفت: «با استادی که من بررسی کردم، عراق در آبان ۵۸ می‌خواست به ایران حمله کند و خبر آن را هم آمریکا به ایران داده بود. اما در اولین نشست مشترکی که ایران و آمریکایی‌ها در اواخر مرداد۵۸ داشتند، جمع‌بندی آمریکا این بود که عراق به دنبال حمله به ایران نیست و اگر احتمال جنگ باشد برای نشان‌دادن ضرب شست است. اما آمریکا بعد از شهریور ۵۸ براساس اطلاعاتی که از موساد به دست می‌آوردند، به این نتیجه می‌رسد که عراق قصد حمله دارد، پس در مهرماه رئیس ایستگاه سیا درخواست ملاقات با ایران را می‌کند».

او ادامه داد: «یکی از نکات مهم این است که دولت

سیاست

سید محمد غرضی در نشست «ناگفته‌های آغاز جنگ»:

اگر ۳خیماره داشتم خرمشهر سقوط نمی‌کرد



علیمیر امیرحیدر، پرنی، غرضی

موقت هیچ‌کدام از این اسناد را به امام خمینی نداده است. بنابراین ما قبل از تسخیر سفارت آمریکا درگیر جریان احتمال حمله عراق بودیم. این نشان می‌دهد حرفی که آقای ابراهیم یزدی می‌زنند که دلیل حمله عراق اشغال سفارت آمریکا بوده است، غلط است».

درودیان افزود: «در این میان روایت «صلاح عمر‌العلی» از اعضای برجسته حزب بعث، جالب است که می‌گوید بعد از جلسهای که با ابراهیم یزدی در هاوانا داشتیم، صدام به من گفت نظرت درباره این مذاکره چیست که گفتم همه چیز در حال حل‌شدن است، اما صدام گفت تو سیاست را نفهمیده‌ای و فرصتی در اختیار ماست که صد سال یک‌بار اتفاق می‌افتد و من کاری با ایران خواهم کرد که صدای آن عالم را بگیرد. این نقل‌قول نشان از اراده عراق برای حمله به ایران است».

او گفت: «بعد از تصرف سفارت آمریکا، مسئله عوض می‌شود و آمریکا مسمو سا عراق می‌شود. برژینسکی پیشنهاد می‌دهد که صدام را تحریک کنیم تا جزایر ایران را اشغال کند، اما در ۱۸ اسفند ۵۸ صدام نامه‌ای را به آمریکا می‌نویسد که کل ایران را تجزیه کنیم. البته بعدا برژینسکی می‌گوید ما این کار را متوقف کردیم».

این پژوهشگر افزود: «البته در سال ۵۸ کودتایی هم در ایران شکل می‌گیرد و با اینکه عراق به کودتا کمک کرد، ترجیح می‌داد کودتا موفق نشود، چون دیگر نمی‌توانست از فرصت تاریخی که برای خود در نظر گرفته بود استفاده کند و به ایران حمله کند». او ادامه داد: «من در اسناد ارتش هیچ سندی را ندیدم که زودتر از شهریور ۵۹ احتمال حمله در آن پیش‌بینی شده باشد. ارتش از این تاریخ به قطعیت می‌رسد که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند».

در اینجا تیمسار بختیاری در جواب درودیان گفت: «در اول شهریور ۵۹ ارتش اعلام کرد عراق می‌خواهد

به ایران حمله قطعی کند. اما در آذرماه سال ۵۸ ستاد مشترک ارتش جلسهای می‌گذارد و دستور عملی صادر می‌شود که درباره حمله احتمالی عراق پیش‌بینی صورت بگیرد. براساس این دستورالعمل در ۱۵ خرداد ۵۹ طرح به نام «بوم‌مسلم» از سوی ستاد مشترک صادر می‌شود و بر مبنای آن نیروی زمینی و دریایی و هوایی طرح‌هایی می‌نویسند که در قالب آن در مقابل عراق دفاع کنیم».

برای آزادی سوسنگرداز حافظ اسد اسلحه گرفتیم

سخنران پایانی این نشست، محمد غرضی، استاندار خوزستان در دوران جنگ، بود. او گفت: «من قبل از بهمن ۵۸ به خوزستان رفتم. در آنجا تمام نیروهایی که با انقلاب زاویه داشتند همچنان فعال بودند؛ در خوزستان انفجار و ترور انجام می‌شد. دو ماه بعد که خدمت امام رسیدیم، فرمودند آنجا چه خبر بود؟ که من گفتم خبری نیست. ایشان گفتند پس اتفاقاتی که می‌افتاد چه بود؟ من گفتم آن اتفاقات خیلی عمیق نبود».

او در ادامه با اشاره به کودتای نوزده عنوان کرد: «اتفاق آن روز که کودتا انجام شد، من به همراه آقای موسوی جزایری به لشکر ۹۲ رفته بودم تا نماز وحدت بخوانیم. در آنجا دیدم که اکثر افسرها در صف‌های آخر نماز ایستاده‌اند و سربازان و درجه‌داران در جلو صف هستند که نگاه‌های مشکوکی دارند. من احساس کردم که اینجا اتفاقی در حال رخ‌دادن است؛ بنابراین این جمعیت را به مدت سه ساعت نگه داشتم و درباره ارتش از زمان خشیار‌زاده تا حال مفصل حرف زدم. در بین صحبتیم دیدم که جمعیت پراکنده می‌شود و در نهایت فقط سربازها ماندند؛ البته به آقای موسوی جزایری می‌گفتم چه احساسی دارم».

غرضی ادامه داد: «بعد از این اتفاق به استانداری

رفتم و به بچه‌های این لشکر گفتم که این را بررسی کنید. آنها گفتند لشکر ۹۲ در بستان ماموریت داشته و رها کرده و به یادگان برگشته و توپش هم به سمت شهر است. من هم دستور دادم که هر سه فرمانده دریایی و هوایی و زمینی آن را دستگیر کنند و به جای آنها جهان‌ارا را فرمانده نیروی دریایی، ششمخانی را فرمانده نیروی زمینی و آقایی را فرمانده نیروی هوایی کردم».

او افزود: «شب که شد، تعداد زیادی از این افسران فرار کردند و بعد گزارش رسید که شش نفر از آنها خود را به بغداد رسانده‌اند. در همان زمان هم صدام با بختیار برای بررسی نتیجه کودتا جلسه گذاشتند. در اسنادی که بعد منتشر شد این‌گونه می‌گویند که صدام به آن شش نفر می‌گوید شما باید غرضی و موسوی جزایری را می‌کشید نه‌اینکه فرار کنید. به‌این‌ترتیب کودتای نوزده در خوزستان نه سرکوب بلکه مندرس شد».

در این لحظه، مسعود بختیاری از غرضی پرسید چرا با وجود این اتفاقات، شما این فرمانده‌های بی‌تجربه را در نقاط مرزی نگه داشتید و این روند تا زمان حمله عراق ادامه پیدا کرد؟» غرضی در پاسخ به او گفت: «در آن زمان هیچ نیرویی در مرز خوزستان نبود. وقتی سوسنگرد برای اولین‌بار محاصره شد حتی یک توپ هم شلیک نشده بود. وقتی یک فرمانده حضور منفی در آنجا داشته باشد که به درد نمی‌خورد. من از ردقول به یادگان حمید رفتم و دیدم یادگانی که سه هزار عضو داشت فقط ۱۱ نفر در آن بود».

غرضی ادامه داد: «من یک نفر را پیش حافظ اسد

فرستادم و او پنج رژی جی را به آنجا آورد. من هم

به همراه تعدادی تانک که سر سه‌راهی سوسنگرد و

یادگان حمید بود با آربی جی تانک زدیم و با آتش گرفتن

این تانک، سوسنگرد آزاد شد و ۱۶هزار عراقی به سمت

اهواز آمدند که من هم به همراه آنها پیاده برگشتم چون

حتی وسیله نقلیه نداشتیم».

او درباره حمله عراق به اهواز هم گفت: «وقتی آنها

با ۷۰ تانک حمله کردند، من صبح در رادیو اعلام کردم

که ای مردم، عراق حمله کرده است. ما رفتیم و هر

کمی می‌بایید. ۲۰۰ هزار نفر از مردم با دوچرخه

و موتور و ماشین آمدند و به سه‌راهی خرمشهر جلوی

عراقی‌ها ایستادند و آنها را مجبور به عقب‌نشینی

کردند».

بختیاری پرسید: «اگر همین تانک‌ها چند خمپاره

میان مردم می‌انداخت شما چه می‌کردید؟» غرضی

پاسخ داد: «من اگر سه خمپاره در نخلسان خرمشهر

داشتم، خرمشهر سقوط نمی‌کرد. درحالی‌که ارتش

همه‌چیز داشت. یکی از فرماندهان ارتش در اهواز به

من گفت ما زمین می‌دهیم تا زمان بخریم. آیا این ارتش

است؟ اگر ارتش دیگر تاکتیک و این موضوعات نبود،

روایت به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد».

تیمسار بختیاری نیز با هیجان گفت: «دانشجویان

دانشگاه افسری با پنج گردان روز سوم مهر وارد

خرمشهر شدند. تیپ یک و ۹۱ و تیپ تفنگداران دریایی

در آنجا مستقر بودند، مردم با دست خالی چطور

می‌توانستند در مقابل هوایپما عراق مقابله کنند؟»

غرضی هیجان‌زده شده و در پاسخ گفت: «وقتی

یک ارتشی از آنجا خبر می‌گرفتند که به چه درد

می‌خورد؟ بنی‌صدر به من اسلحه نمی‌داد، من دست‌تتها

با چهار نفر دیگر دو بار سوسنگرد را از محاصره نجات

دادم اما شما با ابزارهای خود نمی‌دانستید که پشت

نخلسان‌های خرمشهر عراق تانک‌های خود را گذاشته

است، شما یک آربی جی هم نزدید».

تیمسار بختیاری نیز با هیجان گفت: «ما در ۱۷روز

اول جنگ ۳۰ خلبان از دست دادیم». غرضی هم گفت:

«برتری نیروی هوایی ایران نسبت به عراق خوب بود

ولی نیروی زمینی ما وا رفت و مردم اهواز، جور آن را

کشیدند».

بختیاری گفت شما بنی‌صدر را به عنوان فرمانده

کل قوا قبول داشتید؟ که غرضی در جواب گفت:

«بگذارید خاطره‌ای بگویم، من به دفتر امام در قم

رفته بودم، بنی‌صدر هم آنجا بود. من یقه حاج‌احمد

را گرفتم و گفتم به امام زمان اگر بگذارید این آدم

رئیس‌جمهور شود که حاج‌احمد خندید و رفت. ما

بنی‌صدر را به عنوان رئیس‌جمهور قبول نداشتیم.

متناقض برای او ستاد درست کردند و گفتند «بنی‌صدر،

صدردصد».

غرضی در پایان گفت: «بنی‌صدر اهل جنگ نبود،

خود بنی‌صدر به من گفت که ما باید با اروپا هماهنگ

شویم و آمریکا را مایوس کنیم تا جنگ ختم شود که

من به او گفتم جنگ مفهوم زمینی دارد نه سیاسی و

اشتباه می‌کنی. وقتی در سیاست شکاف بیفتد دشمن

طمع می‌کند و در آن زمان هم عراق طمع کرده بود».

نگاه

ماجرای یک اعتراف

حمید احمدی *

● «بنیامین نتانیاوه»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در هفتادویکمین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، درحالی‌که در برابر صندلی‌های خالی سالن ارتش قرار گرفته بود، نطق ۲۰دقیقه‌ای خود را به داستان‌سرایی‌های همیشگی علیه ایران و آینده نزدیکی اختصاص داد که در آن هیچ قطع‌نامه‌ای علیه این رژیم اشغالگر در سازمان ملل متحد به تصویب نخواهد رسید. مهم‌ترین نکته در نطق اسمال نتانیاوه اشاره به پدیده و مدعیانه او درباره تغییر رویکرد بسیاری (به نظر او) از کشورهای عرب خاورمیانه نسبت به ماهیت این رژیم است. در این بخش از سخنرانی، نتانیاوه مدعی می‌شود که همسایگان عرب این رژیم، دیگر «اسرائیل را دشمن خود نمی‌دانند» و در واقع به این نتیجه رسیده‌اند که این موجودیت غیرقانونی و اشغالگر «متحد آنها در منطقه» است و «دشمن مشترک» هر دو آنها، «ایران» است. او به صورت غیرمستقیم به تحولات یک‌سال اخیر در روابط این رژیم با برخی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه افشای ارتباطات مخفیانه عربستان سعودی (بدون‌نام‌بردن از کشوری خاص) با این رژیم اشاره می‌کند و بر جایگاهی رسمی و از تریونی بین‌المللی بر آن مهر تأیید می‌زند. آنچه از وراي تنش در روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر عیان شده است، روابط پشت پرده چندین‌ساله عربستان با رژیم صهیونیستی است که مشخص شده سال‌های طولانی در جریان بوده و حکایت از «خنجری» دارد که در تمام این سال‌ها ریاض از پشت به جهان اسلام وارد می‌کرده و خود را در پشت زُست‌ها و مواضع نمایشی و دروغین حمایت از فلسطین پنهان می‌کرده است. روشن است ریاض از قبل ارتباط پنهانی با تال‌آویو، در پی تأمین منافع فلسطین نبوده است، چراکه در تمام این سال‌ها، نشانه‌ای که حاکی از پیشرفت در تأمین حقوق و منافع مردم مظلوم فلسطین باشد دیده نشده است؛ نه تنها هیچ اتفاقی به نفع فلسطینی‌ها رخ نداده، بلکه رژیم صهیونیستی با تظمتن‌تر از گذشته، تسخات‌تر کرده و باعث شده است که این رژیم تمامی تلاش‌های جامعه بین‌المللی و ابتکارات برخی از قدرت‌های جهانی برای حل این مناقشه را به سُخره گیرد و هر روز بی‌پروا‌تر از گذشته، به جنایت و اشغالگری خود ادامه دهد و پا را فراتر نهد و سایر کشورهای منطقه را نیز تهدید به حمله نظامی کند. ارتباطات و تعاملات مخفیانه این دو در سال‌های گذشته که هر روز ابعاد جدیدتری از آن عیان می‌شود، شباهت‌هایی را در رفتارها و جنایات آنها در منطقه ایجاد کرده است که حال درک این شباهت‌ها برای وجدان‌های بیدار منطقه و جهان ملموس‌تر از گذشته می‌شود؛ عربستان، کشوری که به لطف میزبانی حرمین شریفین، ادعای بی‌پایه و اساس رهبری جهان اسلام را یدک می‌کشد، پس از گذشت حدود دو سال از حمله به فقیرترین کشور عرب خاورمیانه و همسایه جنوبی خود، به کشتار و به خاک‌وخون‌کشیدن روزانه ده‌ها زن و کودک بی‌گناه یعنی عادت کرده و دقیقاً قدم در همان مسیر جنایت‌باری نهاده است که سالیان طولانی است رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین مرکب می‌شود و همچنین نیز ادامه دارد؛ هر دوی آنها از رسانه‌ای‌شدن جنایاتشان در قبال ملت‌های مظلوم یمن و فلسطین ایایی ندارند و خود را پشت حمایت‌ها و بی‌توجهی‌های جامعه بین‌المللی پنهان کرده‌اند. به راستی چه فرقی است بین کشتار آوارگان فلسطینی اردوگاه‌های «کراس» و «شتیلا» در لیتان به دست رژیم صهیونیستی و ویران‌کردن هرروزه خانه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس در یمن به دست حاکمان عربستان سعودی؟! هر دو می‌کشوند خود را به هر شکل ممکن، مشروع و غیرمشروع، با بحران‌سازی‌ها و خودنمایی در ادعاهای دروغین به نقطه‌ای مشترک به نام «تهدید ایران» می‌رسانند بر بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های داخلی‌شان و شکست‌های پی‌درپی در دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی خود در منطقه سرپوش بکارند و این‌گونه از روی استیصال و درماندگی و به زعم و خیال باطل خود، ساختار و معادلات امنیتی و ژئوپولیتیک منطقه را به‌نفع منافع ساختگی خود و متحدان فرامنطقه‌ای‌شان بازسازی و بازتعریف کنند. سخن آخر اینکه، برای وجدان‌های بیدار، اشغال و جنایت چه از‌سوی رژیم صهیونیستی بر علیه مردم بی‌پناه فلسطین صورت گیرد، چه به دست آل‌سعود در بحرین و یمین و عراق و سوریه، تفاوتی با یکدیگر ندارد و هر دو مستوجب مجازات است.

«کارشناس مسائل بین‌المللی

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری در نظر دارد گونه بینه های حاصل از درختان ریشه کن و افتاده و سرشکسته مربوط به پارسل ۱۲ طرح جنگل آموزشی و پژوهشی سری یک دارابکلار با بر اساس صورتمجلس استحصال از طریق مزایده عمومی بفروش برساند اشخاص حقیقی با حقوقی واجد شرایط می توانند ضمن بازدید از عرصه جنگل پارسل های مورد اشاره و ایستگاه های دیو (کرده بینه) کرده بینه های مورد فروش را بازدید و مشاهده و نرخ پیشنهادی خود را اعلام دارند.
دستگاه مزایده گذار: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
موضوع مزایده: مقدار بر آورده می میزان حدود ۱۱۹۰ مترمکعب کرده بینه صنعتی از نوع راش و سایر گونه های جنگلی بوده و تسویه حساب بر اساس محاسبه صورتمجلس استحصال در پایان کار خواهد بود.
زمان شروع دریافت اسناد مزایده: پس از انتشار آگهی مزایده
محل دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد: واحد کارپرداز دانشگاه به آدرس: ساری یکومتر ۹۰ جاده دریا، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (۰۱۱-۳۳۶۸۸۰۸۲)

آخرین مهلت ارائه پیشنهاد: پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۷
تاریخ و محل بازگشایی: ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
تضمین شرکت در مزایده: ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (هشتصد میلیون ریال) را به عنوان تضمین شرکت در مزایده به یکی از صورت های

۱- مشروحه ذیل تهیه و به همراه اسناد مزایده در پاکت تضمین (پاکت الف) قرار داده و به دستگاه مزایده گذار تسلیم نماید.
۲- ضمانت نامه